

رابطه‌ی ساختاری بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با نقش واسطه‌ی ای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود

سوران رجبی^{۱*}، خدیجه علیمرادی^۲، نزهت الزمان مرادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱ صص ۴۸-۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۹

چکیده

رفتارهای مذهبی ارزش مثبتی در پرداختن به نکات معنادار زندگی دارند. معنویت موجب آرامش درونی، معنایابی و امیدواری، رضایت‌مندی از زندگی و نیز افزایش توان کنترل احساسات و هیجانات درونی خود و دیگران و در واقع بهبود سطح هوش هیجانی جامعه می‌گردد. هدف از این پژوهش، تعیین رابطه بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود در گروهی از زنان بود. نمونه پژوهش ۱۷۶ نفر از زنان استان بوشهر که به صورت نمونه‌گیری منظم انتخاب شدند، می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بهزیستی معنوی، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، پرسشنامه هوش هیجانی شات و پرسشنامه تمایز یافتگی خود استفاده شد. داده‌های به دست آمده با روش آموس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان دادند که بین بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از مدل‌یابی معادله ساختاری و تحلیل واسطه‌ای حاکی از آن بود که هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود متغیرهای واسطه‌ی پاره‌ای می‌باشند. زیرا بهزیستی معنوی هم به طور غیرمستقیم از طریق تقویت هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود و هم به طور مستقیم می‌تواند رضایت زناشویی را تقویت کند. بنابراین می‌توان گفت بهزیستی معنوی بر هوش هیجانی و نیز بر تمایز یافتگی خود مؤثر است از سویی رضایت زناشویی نیز تحت تأثیر هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود قرار دارد (۰/۰۱ < p). بهزیستی معنوی با ایجاد آرامش، امیدواری، معناداری به زندگی و نگرش مثبت، موجب رضایت از زندگی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی معنوی، رضایت زناشویی، هوش هیجانی، تمایز یافتگی خود.

^۱ دانشجویار روان‌شناسی دانشگاه خلیج فارس

^۲ کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه خلیج فارس

^۳ دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه خلیج فارس

* نویسنده مسئول: sooranrajabi@pgu.ac.ir

مقدمه

انسان موجودی چند بعدی است که برای رسیدن به کمال و موفقیت در امور کاری و روزمره نیازمند درک همه‌ی ابعاد وجودی خود و فهمیدن موقعیت‌های مختلفی است که در آن‌ها قرار می‌گیرد. در این میان بعد وسیعی مانند معنویت، که بر بسیاری از جنبه‌های وجودی و عرصه‌های زندگی انسان موثر است، حالتی را برای فرد ایجاد می‌کند که به دنبال خویشترن بوده، به تفکر در اموری فراتر از مسائل روزمره بپردازد و به دنبال معنای زندگی، هوشیاری و آگاهی در سطح متعالی باشد (Moalemi, Raghbi & Salar daregi, 2011). اهمیت معنویت^۱ و رشد معنوی در انسان در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است، تا جایی که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره کرده و بعد چهارم یعنی معنویت را در رشد و تکامل انسان مطرح می‌نماید (Hosein-dokht, Fathi Ashtiani & Taghizadeh, 2014). در زندگی انسان سه رویکرد مسلط در توجه به معنویت وجود دارد. در رویکرد اول که به رویکرد دینی معروف است، معنویت بعنوان پیروی از دستورات یک دین خاص نگریسته می‌شود. در رویکرد دوم، یعنی رویکرد درون-گرایانه، معنویت یک احساس درونی تلقی می‌شود که به فرد احساس آرامش می‌دهد و بلاخره در رویکرد سوم، یعنی ویکرد وجودگرایانه، معنویت بعنوان معناجویی در کار و زندگی تعریف شده است (Gomez & Fisher, 2012; Mac Gee, 2011).

بر اساس تعریف هوش، معنویت ممکن است امری شناختی- انگیزشی باشد که مجموعه‌ای از مهارت‌های سازگاری و منابعی است که حل مساله و دستیابی به هدف را تسهیل می‌کند (Ghobar, 2007). رفتارهایی از قبیل توکل به خدا می‌تواند از طریق امید و تشویق به نگرش مثبت در زندگی موجب آرامش درونی شود. رفتارهای مذهبی، ارزش مثبتی در پرداختن به نکات معنادار زندگی دارد. باور به حضور قدرت اعظم، موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت تنش‌زا را کاهش می‌دهد (Kajbaf & Raiespour, 2009).

بهبودی معنوی بعد مهم و برجسته یک زندگی سالم است که منجر به هدفدار شدن زندگی می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود معنوی یک زندگی مملو از یقین در ارتباط با خداست و یک ترکیب مذهبی، اجتماعی و روانی را شامل می‌شود (Dehshiri, Najafi, Sohrabi, 2014). طبق نظر موبرگ و بروسک (Moberg & Brusek, 2014) بهبود معنوی یک بعدی است که شامل یک بعد عمودی و یک بعد افقی می‌باشد. بعد عمودی آن به ارتباط با خدا و بعد افقی آن به احساس هدفمندی در زندگی و رضایت از آن بدون در نظر گرفتن مذهب خاص

¹ Spirituality

اشاره دارد. الیسون معتقد است که بهزیستی معنوی شامل یک عنصر روانی- اجتماعی و یک عنصر مذهبی است. بهزیستی مذهبی بیانگر ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خدا است و بهزیستی وجودی بیانگر احساس فرد از اینکه چه کسی است، چه کاری و به چه دلیل انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد، می‌باشد (Gomez & Fisher, 2003). بهزیستی معنوی ماهیت جمعی و اجتماعی نیز دارد. به این معنا که عشق، عدالت، امیدواری و ارزش‌گذاری به خصایص انسانی از زمره شاخص‌های مطرح برای بهزیستی معنوی است (Blue, 2009). برخی شواهد نشان می‌دهد بهزیستی معنوی با ویژگی‌های شخصیتی دارای ارتباط معنا دار می‌باشد. همچنین برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بهزیستی معنوی بصورت مستقل از ویژگی‌های شخصیتی، یک سازه ضروری برای مطالعات حوزه سلامتی است و فراتر از بسیاری از ویژگی‌های روانی، اجتماعی و معنوی قادر به پیش‌بینی شادمانی می‌باشد (Gomez & Fisher, 2012).

افزایش علاقه به روانشناسی معنویت می‌تواند تا حدودی ناشی از یافته‌های تجربی و بحث‌های نظری باشد که پیشنهاد می‌کنند متغیرهای معنوی و مذهبی در سلامت جسمانی و روانی نقش دارند (Emmons, 2000). پژوهش‌ها حاکی از آن است که معنویت ارتباط مثبتی با سلامت جسمانی و روانی دارد (Hartz, 2005). نتایج ۳۵۰ مطالعه نشان داده است که افراد دارای بهزیستی معنوی، شیوه‌ی زندگی سالم‌تری دارند، امیدوارترند، از ثبات روانی بیشتری برخوردارند و رضایت بیشتری از زندگی دارند (Shahidi & Hamdiye, 2003). باورهای مذهبی، آیین‌ها و تعهدات با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و کارآیی مثبت مرتبط هستند (Seybold & Hill, 2001). پیوند معنوی زمینه‌ساز رضایت از خود، زندگی و محیط اطراف می‌شود (Fisher, 2011; Sessanna, Finnell, & Jezewski, 2007).

علاوه بر این، رشد و تقویت اعتقادات مذهبی باعث افزایش توان کنترل احساسات و هیجانات درونی خود و دیگران و به عبارتی بهبود سطح هوش هیجانی جامعه می‌گردد (Sayadi, 2008). هوش هیجانی، توانایی، ظرفیت و مهارت در ادراک خود برای شناسایی، ارزیابی، مدیریت و کنترل هیجانات خود شخص، دیگران و گروه‌ها توصیف می‌شود (Abi & Jijo, 2012). هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه ارتباط میان تفکر و هیجان است و می‌تواند بعنوان توانایی نظارت بر هیجان خود یا دیگران در جهت تمایز قائل شدن بصورت مناسب و استفاده از اطلاعات هیجانی برای هدایت تفکر و رفتار تعریف شود (Coleman & Andrew, 2008).

کلمن هوش هیجانی را شامل مؤلفه‌هایی همچون خود آگاهی هیجانی، خود ایزاری، عزت نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع گرایی، انعطاف- پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی می‌دانست. بنابراین می‌توان گفت هرگاه افراد تعهد لازم را به یکدیگر نداشته باشند، شناسایی و مدیریت احساسات خود

و دیگران، یعنی توجه را از دست می دهند و ماحصل این فرآیند، کاهش آستانه تحمل، افزایش پرخاشگری و تمامی مواردی است که می تواند موجب تنش های زناشویی شود (Shamsai, Nickhah & Jadidi, 2007).

در کنار شواهد ارائه شده در مورد مؤثر بودن هوش هیجانی برای رضایت زناشویی شواهد فراوان نشان می دهد که زوج ها در جوامع امروزی برای برقراری و مدیریت هیجانی روابط خود با همسرانشان با مشکلات فراگیر و متعددی مواجه هستند (Khosro javid & Rafiei Nya, 2006; Hoseini Zade, 2009). بدیهی است که نقص در مهارت های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می گذارد. شواهد پژوهشی نشان داده است که مهارت عاطفی و هیجانی توان تحمل فشارهای روانی زندگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می دهد و نقش بسزایی در تداوم و سازگاری سال های آخر در زمینه روابط زناشویی دارد. مهارت هوش هیجانی از ضروریات یک زندگی زناشویی موفق و سازگارانه معرفی شده است. مفهوم هوش هیجانی نشان می دهد که چرا دو نفر با بهره ی هوشی یکسان ممکن است به درجات بسیار متفاوتی از موفقیت در زندگی دست یابند (Akbarzade, 2006, Quoted By Taleby & Ghobari Bonab, 2013).

از سویی در مطالعات گذشته بین نمرات بهزیستی معنوی و معناداری در زندگی و وضعیت هویت، همبستگی معناداری گزارش شده است (Klaassen & McDonald, 2002, Quoted By Dehshiry & et al, 2014). افراد درک هویت خویش را در جریان تفرد کسب می کنند. این تمایز از خانواده اصلی آن ها را قادر می سازد تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک و اعمال خود را بپذیرند (Corey, 2007). تمایز یافتگی تعادلی است که هر فرد بین دو نیروی با هم بودن و فردیت برقرار می کند و حاصل آن ایجاد توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با افراد مهم زندگی (Kerr & Bowen, 1988). در واقع جدایی میان افکار و احساسات و حفظ آرامش و اضطراب اندک که مشخص کننده ی تمایز یافتگی اند (Bowen, 1985, Quoted By Prochaska, 2003) باعث می شود تا فرد بتواند بهتر به شناسایی و توصیف هیجانات خود پردازد (Salovay & Mayer, 1990).

بر اساس تئوری بوئن تمایز یافتگی از چهار بخش تشکیل شده است که عبارت است از واکنش هیجانی: تمایل به پاسخ هیجانی خودکار به محرک های محیطی که ممکن است به صورت بی تفاوتی یا حساسیت افراطی بروز کند، جایگاه من: داشتن توصیف آشکار از خود، ارزشمند دانستن اعتقادات و باورهای شخصی، بریدگی عاطفی: احساس تهدید شدن در روابط صمیمانه، که با فاصله گیری عاطفی از دیگران آشکار می شود و آمیختگی با دیگران: که شامل درگیری هیجانی با

افراد مهم زندگی و هویت یابی افراطی با آن‌ها می‌باشد (Hamedi khosravi, Peyvastegar, Dorvize, Khodabakhsh & Sarami, 2013).

بر اساس تئوری بوئن کسانی که تمایز یافتگی بالایی دارند رفتاری مستقل داشته و در روابط خود کمتر واکنش هیجانی نشان می‌دهند، آن‌ها می‌توانند در حالی که با دیگران ارتباط صمیمانه دارند مرزهای هویت خود را حفظ کنند و رفتار معطوف به هدف داشته باشند. این گونه افراد می‌توانند احساس و تفکر خود را از هم متمایز کنند و با توجه به موقعیت آن‌ها را به کار گیرند، اضطراب و سایر هیجانات خود را کنترل کرده و در روابط خود کمتر دچار مشکل شوند (Bowen, 1978, Quoted by Taleby Bonab, 2013).

به نظر بوئن درجه ظهور تمایز یافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی او برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تفکیک خویش است (Goldenberg, 2009). تمایز یافتگی خود یک ترکیب پیچیده از بلوغ عاطفی، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت عاطفی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک است (Drak, 2011; Bartle & Lal, 2010). هدف اصلی تفکیک خویشتن، توازن میان احساسات و شناخت است. تفکیک در معنای بوئنی آن بیشتر یک فرایند است تا هدفی دست یافتنی (Skowron & Dendy, 2004). بوئن معتقد است سطوح بالاتری از تمایز یافتگی با افزایش توانایی برای روابط پیچیده عاطفی، کاهش علائم استرس، سطوح پایین استرس ادراک شده، اضطراب کمتر و همچنین با افزایش انعطاف‌پذیری فرد در ارتباط است. بسیاری از مطالعات پیش‌بینی کرده‌اند که سطوح بالاتر تمایز یافتگی با افسردگی و مقاومت روانی کمتر ارتباط داشته و با سازه‌های مانند اعتماد بنفس و رشد روانی رابطه مثبت دارد (Drak, 2001).

بین توانایی‌هایی که هوش هیجانی را می‌سازند و مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، همخوانی بسیاری وجود دارد. تمایز یافتگی، خود ابزار سودمندی در جهت ارزیابی پختگی هیجانی می‌باشد (Blair, Nelson & Coleman, 2001).

از سوی دیگر اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی، بر تمامی ابعاد زندگی انسان و از جمله روابط خانوادگی تاثیر گذار است. رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده است (Greef, 2000). رضایت زناشویی اشاره به ارزیابی ذهنی یک فرد از رابطه زناشویی داشته (Taylor, Peplau & Sears, 1997, Quoted By Mbam, Oginy & Onyishi, 2015) و یک عنصر ضروری برای زندگی خانوادگی موفق و رشد شخصی می‌باشد. در نتیجه با توجه به اینکه خانواده واحد اساسی هر کشور است، رضایت زناشویی از ارکان ثبات هر ملت است (Samson, Micheal, Peter & Naftali, 2015). همچنین رضایت زناشویی فرایند پیچیده‌ای است که در طول زمان توسط عوامل بسیاری از جمله آموزش، وضعیت اجتماعی اقتصادی، عشق، تعهد، رابطه زوج، تعارض و درگیری، جنسیت، طول مدت ازدواج، حضور کودکان، رابطه جنسی و تقسیم کار تحت

تأثیر قرار می‌گیرد (Mbam, Oginy & Onyishi, 2015). نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا شامل رهنمودهایی مؤثر برای بهبود زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست (Hunler & Genchuz, 2005). یکی از جنبه‌های متعدد فعالیت ادیان، تعهد و اعتقاد بوده و از اجزای قابل توجه رضایت زناشویی بنظر می‌رسد (Muhammad, 2012; Parasciwa & Nicoleta, 2011). همچنین طبق تحقیقات (Hoseyn dokht & et al, 2014; Fountoulakis & et al, 2008; Russ, Westefeld, & Ansley, 2001; Sullivan, 2001; Patterson, Hayworth, Turner, & Raskin, 2000) بین بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.

(Hosein-dokht & Fathi Ashtiani, 2014) به بررسی رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین هوش معنوی و بهزیستی معنوی، با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت هوش معنوی دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها می‌باشد که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد استفاده می‌کند.

نتایج پژوهش (Alex, 2011) به عنوان «شادی تاهل به عنوان تابعی از هوش معنوی» بر نقش هوش معنوی در رضایت زناشویی تأکید دارد. تحقیقات (Seybold & Hill, 2001) نشان دهنده‌ی این مطلب است که باورهای مذهبی، آیین‌ها و تعهدات، با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی بهتر، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و عملکرد و کارایی مثبت مرتبط است.

طبق تحقیقات (Talebi & et al, 2013)، بین خود تمایز سازی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد، همچنین بین هوش هیجانی و خود تمایزسازی و بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بنابر آنچه مطرح شد و لزوم بررسی و شناخت عواملی که بتواند بهزیستی معنوی را در زوجین ارتقاء دهد و موجب افزایش سازگاری و رضایت از زندگی و در نهایت موجب بهبود کیفیت زندگی شود، نیازمند بررسی است. هدف از این پژوهش روشن ساختن اهمیت معنویت بر زندگی انسان‌ها می‌باشد. همچنین با توجه به اهمیت بهزیستی معنوی و اهمیت رضایت و تداوم زندگی زناشویی، بررسی راه‌های تازه برای ارتقاء سلامت روانی جامعه جایگاه مهمی دارد. با توجه به آنچه اشاره شد و با در نظر داشتن اهمیت بهزیستی معنوی و روشن ساختن اهمیت معنویت بر زندگی انسان‌ها و رابطه‌ی آن بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد، بر این اساس پژوهش حاضر در جهت پاسخگویی به این سوال صورت گرفته که آیا بین بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود، رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا بین بهزیستی معنوی با هوش هیجانی رابطه‌ای وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی وجود دارد؟ آیا بین بهزیستی معنوی و تمایز یافتگی خود رابطه‌ای وجود

دارد؟ آیا بهزیستی معنوی، هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود می‌تواند پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی باشد؟

روش پژوهش

طرح پژوهش از نوع طرح‌های توصیفی، همبستگی می‌باشد. جامعه آماری، گروهی از زنان استان بوشهر بودند که ۱۷۶ نفر از آنها به صورت نمونه‌گیری منظم، با توجه به ملاک‌های ورود و خروج (داشتن حداقل دیپلم و متاهل بودن و داشتن سلامت جسمانی و روانی) انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون، هوش هیجانی شوت، تمایز یافتگی خود اسکورون و و فریدلندر و رضایت زناشویی انریچ استفاده شد.

پرسشنامه بهزیستی معنوی

مقیاس بهزیستی معنوی را (Palutzian & Ellison, 1982) ساختند که دارای ۲۰ گویه است. ده گویه آن مربوط به بهزیستی مذهبی و ده گویه بهزیستی وجودی را اندازه‌گیری می‌کند. دامنه سوالات به صورت شش گزینه‌ای در مقیاس لیکرت دسته‌بندی می‌شود. دامنه نمره بهزیستی مذهبی و وجودی، هر کدام به تفکیک ۶۰-۱۰ است. نمره‌ی بهزیستی معنوی، جمع این دو زیرگروه است که دامنه‌ی آن ۱۲۰-۲۰ در نظر گرفته شده است. (Palutzian & Ellison, 1982)، ضرایب پایایی باز آزمایی برای خرده مقیاس‌های بهزیستی مذهبی و وجودی و کل مقیاس به ترتیب، برابر با ۰/۶۳، ۰/۸۶، ۰/۹۳ و ضرایب آلفای کرونباخ، به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. پایایی این مقیاس توسط (Dehshiri, 2009) بر دانشجویان دختر و پسر از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده مقیاس بهزیستی مذهبی و خرده مقیاس بهزیستی وجودی به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۷ و با روش باز آزمایی ۰/۸۵، ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است.

پرسشنامه هوش هیجانی

پرسشنامه هوش هیجانی شوت توسط (Schutte & et al, 1998) بر اساس الگوی اولیه هوش هیجانی (Salovay & Mayer, 1990) ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۳ گویه است و هدف آن سنجش مولفه‌های هوش هیجانی (Salovay & Mayer, 1990) ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۳ گویه است و هدف آن سنجش مولفه‌های هوش هیجانی (تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان، بهره‌برداری از هیجان) در افراد می‌باشد. دامنه‌ی سوالات به صورت پنج گزینه‌ای در مقیاس لیکرت دسته‌بندی می‌شود. مطالعه این مقیاس در میان نوجوانان پایایی ۰/۸۴ برای هوش هیجانی کل و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب، ارزیابی و ابزاز هیجان، ۰/۷۶ تنظیم و مدیریت هیجان، ۰/۶۶ و

بهره‌برداری از هیجان ۰/۵۵ را نشان می‌دهد (Siarochi & et al, 2000, Qutod By Javaheri, 2009). در مطالعه‌ای که بر روی نوجوانان کانادایی انجام شد، به منظور بررسی روایی و پایایی هوش هیجانی شوت ۳۴۵ نفر (۲۳۵ نفر زنان و ۱۱۹ نفر مرد با میانگین سنی ۲۱/۴) انتخاب شدند و همبستگی مقیاس هوش هیجانی شوت با مقیاس روان‌زندگی ۰/۳۷، برون‌گرایی ۰/۵۱، باز بودن ۰/۲۷، سازندگی ۰/۱۸، وظیفه‌شناسی ۰/۳۸، مستعد افسردگی ۰/۳۸ و پایایی آزمون ۰/۸۹ گزارش شد (Schatt & Mativ, 2004, Qutod By Javaheri, 2009). در پژوهش (Jahangiri, 2005) پایایی محاسبه شده برای آزمون هوش هیجانی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد. در پژوهش (Javaheri, 2009) نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس هوش هیجانی ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس‌های تنظیم هیجان ۰/۷۹، ارزیابی و ابراز هیجان ۰/۷۵ و بهره‌برداری از هیجان ۰/۶۴ بدست آمد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود

پرسشنامه تمایز یافتگی خود یک ابزاری ۴۶ سوالی است که (Skowron & Friedlander, 1998)، برای سنجش تمایز یافتگی افراد، از خانواده اصلی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای چهار خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران می باشد. پرسشنامه تمایز یافتگی خود در ایران توسط (Scian, 2006) هنجاریابی شده است. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت درجه‌بندی شده است. پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ توسط اسکورون برای این ابزار ۰/۸۸ به دست آمد. در پژوهش (Scian, 2006) ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی ۰/۸۱ به دست آمد (Sanai, 2009). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شد. نقطه برش این پرسشنامه به چهار بخش تقسیم می‌شود، (۰-۲۵) افرادی که برای خوشحال کردن دیگران تلاش می‌کنند (۲۵-۵۰) زندگی این افراد تابع سیستم عاطفی محیط واکنش به سایرین شکل می‌گیرد، (۷۵-۵۰) فکر این افراد در این سطح به اندازه کافی رشد کرده، (۱۰۰-۷۵) افرادی که به طور خودکار افکارشان را از احساسشان جدا می‌کنند.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

این پرسشنامه توسط (Olson & et al, 1989) تدوین شده است. این ابزار شامل ۴۷ ماده است. ۹ مقیاس این ماده شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی،

فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی ازدواج، فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. پاسخنامه این تست مقیاس لیکرت و در ۵ گزینه می‌باشد. اولسون و دیگران، اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. مدل ساختاری طراحی و مورد آزمون قرار گرفت. روایی مدل ساختاری با توجه به دو ملاک شاخص برازش و ضرایب مسیر تعیین شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از حیث هدف، پژوهشی کاربردی است و از حیث روش انجام آن، در زمره پژوهش‌های پیمایشی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش را گروهی از زنان شهر بوشهر تشکیل می‌دهند. بر اساس حجم جامعه آماری، نمونه بصورت محدود تعیین شد. برای برآورد آن یک نمونه ۳۰ نفری از جامعه انتخاب شده و سپس انحراف معیار متغیر اصلی پژوهش به عنوان برآوردی برای مقدار انحراف معیار جامعه در فرمول جایگذاری شد. بر این اساس تعداد نمونه مورد بررسی ۱۷۶ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش در دسترس می‌باشد. در نهایت، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری گردید که پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد کل ۱۷۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. گویه‌های تشکیل دهنده پرسشنامه از پرسشنامه استاندارد به دست آمد. پرسشنامه دارای ۵ بخش است که بخش اول شامل سوالات مربوط به شاخص‌های جمعیت‌شناختی، بخش دوم شامل پرسشنامه تمایز یافتگی خود (Sanai and eta all, 2009) و بخش سوم مربوط به پرسشنامه بهزیستی معنوی (Palutzian & Ellison, 1982) که توسط (Dehshiri, 2009) در داخل هنجاریابی شده، بخش چهارم مربوط به پرسشنامه هوش هیجانی شوت (Javahery Kamel, 2012) و بخش پنجم مربوط به پرسشنامه رضایت زناشویی انریج ۴۷ ماده‌ای که توسط (Mohamadi, 2016) استفاده شده است.

روایی و پایایی پرسشنامه

روایی بدین معنا است که چگونه می‌توان مطمئن بود که سؤالات تنظیم‌شده در ابزار اندازه‌گیری همان چیزی را که باید بسنجد، اندازه‌گیری می‌کنند. برای تضمین روایی در پرسشنامه‌ی این پژوهش از روایی محتوا (از طریق نظر اساتید) و روایی سازه استفاده شده است. برای اندازه‌گیری پایایی از شاخصی به نام «ضریب پایایی» استفاده می‌کنیم و اندازه‌ی آن معمولاً

¹ Validity

² Reliability

بین صفر تا یک تغییر می‌کند. معمولاً آلفای کمتر از ۰/۶ پایایی ضعیف، ۰/۶ تا ۰/۸ قابل قبول و بالاتر از ۰/۸ نشان‌دهنده پایایی بالا می‌باشد. در این تحقیق همان‌طور که ذکر شد پس از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌ی اولیه، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS^۱ گردید و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب مورد نظر برای پرسشنامه‌ها تقریباً ۰/۹۴ بدست آمد و این میزان بیانگر پایایی بالای ابزار سنجش می‌باشد. در جدول زیر میزان آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرها به صورت مجزا آورده شده است. جهت بررسی روایی سازه‌های پرسشنامه و تأیید عامل‌های در نظر گرفته‌شده، از روش تحلیل عاملی استفاده شد که در جدول ۱ مقادیر این شاخص‌ها آورده شده است.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون روایی سازه و پایایی پرسشنامه

متغیر	سوال	α	KMO	sig	% Variance	مقدار ویژه ^۳
بهبودی معنوی	۲۰-۱	۰/۸۷	۰/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۶۷	۶/۳۴
هوش هیجانی	۵۴-۲۱	۰/۷۵	۰/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۵/۱۱
تمایز یافتگی خود	۱۰۱-۵۵	۰/۸۳	۰/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۷۱	۷/۴۸
رضایت زناشویی انریچ	۱۴۸-۱۰۲	۰/۹۵	۰/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۱۵/۲۱

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم-افزار آموس به کار گرفته شده است که در زمینه مدل‌سازی معادلات ساختاری بر پایه روش حداقل مربعات جزئی، نرم‌افزاری پرکاربرد و مفید می‌باشد. روش تخمین آموس، ضرایب را به گونه‌ای تعیین می‌کند که مدل حاصله، بیشترین قدرت تفسیر و توضیح را دارا باشد؛ بدین معنا که مدل بتواند با بالاترین دقت و صحت، متغیر وابسته نهایی را پیش‌بینی کند.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات آماری در رابطه با نمونه مورد بررسی بدین صورت است که از لحاظ سنی بین ۲۱ سال تا ۶۲ سال بوده، کمترین فراوانی مربوط به سن ۴۸ سال (۱ نفر) و بیشترین فراوانی مربوط به سن

^۱ Statistical package for social science

^۲ Explained variation

^۳ Eigenvalue

۳۵ سال (۱۹ نفر) بود، بیشتر پاسخگویان دارای شغل خانه‌دار و کمترین نیز دارای شغل آزاد بودند. از لحاظ تحصیلات اکثر پاسخ دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. اکثر پاسخ‌دهندگان دارای یک فرزند بوده و اقلیت آنها دارای ۴ فرزند به بالا بوده‌اند. مدت ازدواج، حداکثر ۳۶ سال بود. جدول ۲ مقدار میانگین پاسخ‌ها در متغیرهای مورد نظر را نشان می‌دهد. با توجه به انتخاب طیف لیکرت ۵ تایی برای سؤالات تشکیل‌دهنده متغیرهای تحقیق، باید مقادیر حاصل از نظرات پاسخگویان را مورد بررسی قرار داد.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و واریانس متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	میانگین	انحراف معیار
بهزیستی مذهبی	۱۸۴	۱۲۰	مدیریت مالی	۱۷۲	۱۵۴
	۵۴	۶		۱۴	۳
بهزیستی معنوی	۱۴۰	۱۳۰	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	۱۱۱	۱۰۵
	۱۰۲	۱۴		۱۷	۳
بهزیستی وجودی	۱۵۳	۱۴۲	روابط جنسی	۱۴۳	۱۵۰
	۴۷	۹		۱۹	۲۹
واکنش‌پذیری عاطفی	۱۵۹	۱۱۰	رضایت زناشویی	۱۸۱	۱۶۳
	۴۰	۶		۱۶۰	۳
جایگاه من	۱۱۵	۱۲۶	فرزند پروری	۱۲۸	۱۲۴
	۱۷۷	۴		۱۴	۳
گریز عاطفی	۱۰۲	۱۳۸	بستگی و دوستان	۱۱۵	۱۷۷
	۵۳	۶		۱۸	۳

۱۸۴	۱۵۶	جهت گیری عقیدتی	۱۴۷	۱۲۳	هم آمیختگی با دیگران
۳	۱۵		۶	۴۳	
۱۲۹	۱۳۶	مؤلفه تنظیم هیجان	۱۰۲	۱۵۵	موضوعات شخصیتی
۴	۳۹		۵	۱۶	
۱۹۱	۱۴۷	مؤلفه ارزیابی و بیان هیجان	۱۹۷	۳۴	ارتباط زناشویی
۱۱	۵	هوش هیجانی	۴	۱۷	رضایت زناشویی
۱۹۶	۱۳۲	بهر برداری از هیجان	۱۵۳	۱۳۵	حل تعارض
۵	۳۶		۴	۱۶	

جدول ۲ نشانگر این است که بیشترین میانگین مربوط به متغیر سلامت مذهبی، کمترین میانگین مربوط به متغیر مدیریت مالی، بیشترین انحراف معیار مربوط به متغیر سلامت وجودی و کمترین انحراف معیار مربوط به متغیر فعالیت های مربوط به اوقات فراغت می باشند.

تحلیل استنباطی یافته های تحقیق

همبستگی بین متغیرها

برای بررسی رابطه همبستگی میان متغیرها، از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج جدول ۳ نشان دهنده آن است که بین همه متغیرها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که در این میان شدت همبستگی در مورد متغیر رضایت زناشویی انریچ و تمایز یافتگی خود کمتر است.

جدول ۳. همبستگی میان متغیرهای پژوهش

بهریستی معنوی	تمایز یافتگی خود	رضایت زناشویی	انریچ	هوش هیجانی
۱				
	۰/۳۶**			
		۱		
			۱	
				۱

بهریستی معنوی

تمایز یافتگی خود

۱

۰/۳۶**

۱

۱

۱

	۱	۰/۳۶**	۰/۵۳**	رضایت زناشویی انریج
۱	۰/۳۴**	۰/۵۰**	۰/۴۳**	هوش هیجانی

نماد ** نشانگر تایید رابطه در سطح خطای ۰/۰۰۱ است

نتایج تحلیل عاملی تاییدی

معیارهای نیکویی برازش

تعدادی شاخص برازش برای تعیین نیکویی برازش کلی مدل مفروض وجود دارد. اندازه‌های نیکویی برازش، اندازه‌های تطابق ماتریس کوواریانس مشاهده‌شده با ماتریس پیش‌بینی‌شده‌ی مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد. به برخی از این شاخص‌ها در زیر اشاره می‌شود (Ghasemy, 2011).

- کای اسکوئر-خی دو (CMIN): هرچه کوچک‌تر باشد بهتر است. تا جایی که مقدار صفر نشان‌دهنده برازش کامل می‌باشد.
- کای اسکوئر بهنجار یا نسبی (CMIN/DF): اغلب محققان مقادیر بین ۱ تا ۵ را قابل قبول می‌دانند.
- شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، شاخص‌های برازش هنجار شده بنتلر بونت (NFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش نسبی (RFI)، شاخص برازش فزاینده (IFI): مقادیر مناسب این شاخص‌ها بین ۰ تا ۱ است و هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد بهتر است، ولی در کل مقادیر بالای ۰/۹۰ مناسب است.
- شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI): مقدار این شاخص بالای ۰/۵ باشد نشانگر برازش خوب است.

¹ Degrees of freedom

² Goodness of Fit Index

³ adjusted goodness of fit index

⁴ Normed Fit Index

⁵ Comparative Fit Index

• شاخص ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA): تفاوت میان مقدار پیش‌بینی‌شده توسط مدل یا برآوردگر آماری و مقدار واقعی می‌باشد. مقدار مناسب این شاخص حداکثر ۰/۱ است.

در ادامه شاخص های مورد نظر برازش این مدل در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و ساختاری (اصلاح شده)

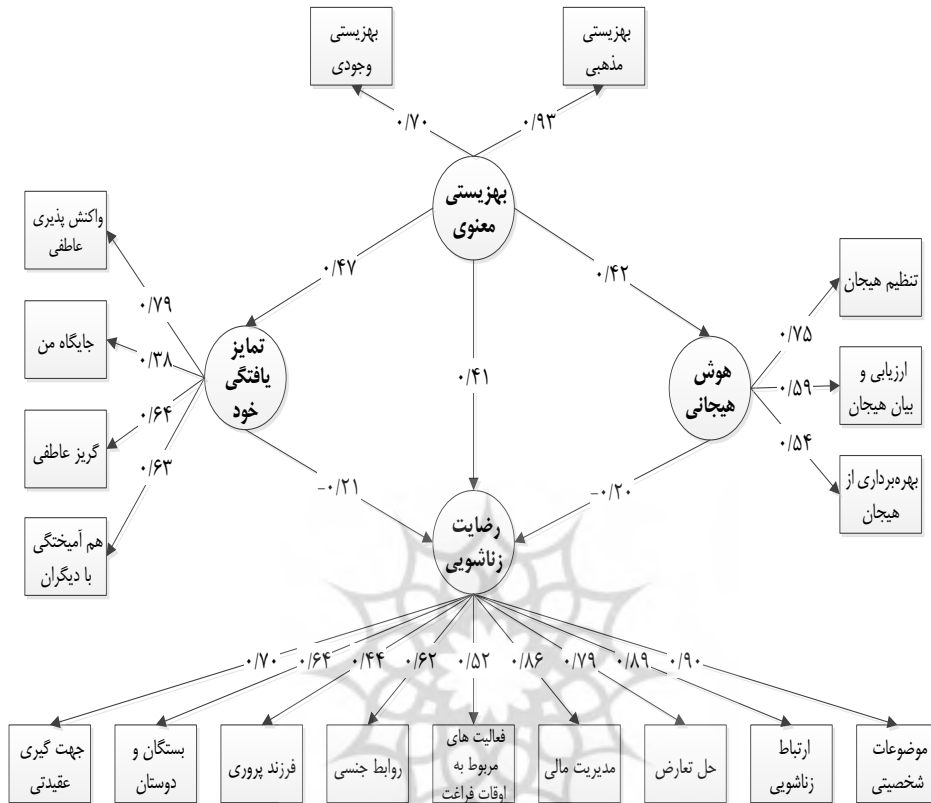
PNFI	RMSEA	RFI	IFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	CMIN/DF	
۰/۶۶	۰/۱۱	۰/۷۳	۰/۸۳	۰/۷۷	۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۶۲	۳/۰۴	قبل از اصلاح
۰/۶۵	۰/۰۴	۰/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۹۲	۱/۲۵	بعد از اصلاح

شاخص برازش کلی مدل نشان‌دهنده این است که مدل به کار گرفته‌شده دارای برازش خوبی نیست و نیاز به اصلاح دارد. در ادامه با اتصال سطح خطا مدل ما دارای برازش مناسب شد که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

شاخص برازش کلی مدل نشان‌دهنده این است که مدل به کار گرفته‌شده دارای برازش خوبی است به این معنی که داده‌های جمع‌آوری‌شده مدل مفهومی پژوهش را حمایت می‌کند و مدل موردنظر به واقعیت نزدیک است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ root-mean-square error



شکل ۱

بارهای عاملی معادلات اندازه‌گیری هستند که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار را نشان می‌دهند. بارهای عاملی در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. بارهای عاملی مدل پژوهش و سطح معناداری آنها

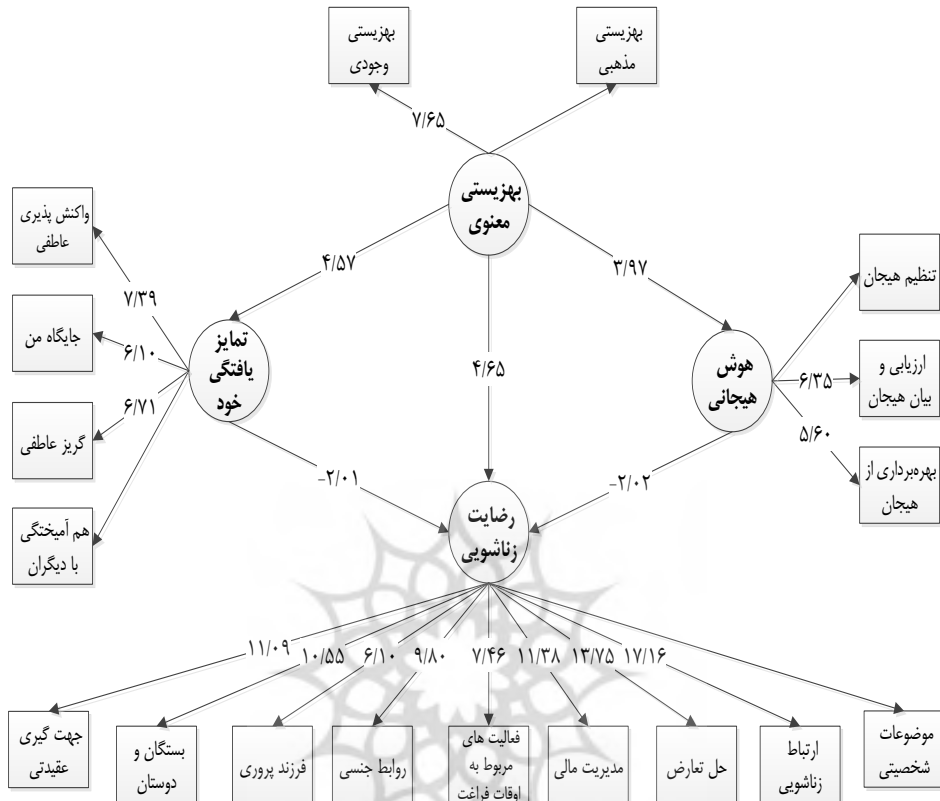
بهریستی معنوی	هوش هیجانی	تمایز یافتگی خود
بهریستی وجودی	تعمیم هیجان	هم آمیختگی با دیگران
بهریستی مذهبی	هیجان	دوستان و بستگان
	مدیریت مالی	جهت‌گیری عقیدتی
	حل تعارض	روابط جنسی
	ارتباط زناشویی	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت
	موضوعات شخصی	فرزند پروری
		بستگی عاطفی
		جایگاه من
		واکنش پذیری عاطفی
		مولفه بهره‌برداری از هیجان
		ارزیابی و بیان هیجان
		ارزشیابی و بیان هیجان
		تنظیم هیجان
		بهریستی وجودی
		بهریستی مذهبی
B	۰/۷۲	۰/۹۰
T	—	۸/۷۰

قبل از اصلاح

رضایت زناشویی										
جهت گیری	عقیدتی	بستگان و دوستان	فرزند پروری	روابط جنسی	فعالیت های مربوط به اوقات	مدیریت مالی	حل تعارض	ارتباط زناشویی	موضوعات شخصیتی	
۰/۷۰	۰/۶۶	۰/۴۸	۰/۶۴	۰/۵۴	۰/۷۵	۰/۸۱	۰/۸۹	۰/۸۸	B	
۱۰/۹۶	۱۰/۰۷	۶/۶۵	۹/۶۹	۷/۶۱	۱۲/۲۶	۱۳/۷۳	۱۶/۵۱		T	
تمایز یافتگی خود			هوش هیجانی			بهبودی معنوی				
هم آمیختگی با دیگران	گریز عاطفی	جایگاه من	واکنش پذیری عاطفی	بهره برداری از هیجان	ارزیابی و بیان هیجان	تنظیم هیجان	بهبودی وجودی	بهبودی مذهبی		
۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۳۸	۰/۷۹	۰/۵۴	۰/۵۹	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۹۳	B	
	۶/۷۱	۶/۱۰	۷/۳۹	۵/۶۰	۶/۳۵		۷/۶۵		T	
رضایت زناشویی										
جهت گیری	عقیدتی	بستگان و دوستان	فرزند پروری	روابط جنسی	فعالیت های مربوط به اوقات	مدیریت مالی	حل تعارض	ارتباط زناشویی	موضوعات شخصیتی	
۰/۷۰	۰/۶۴	۰/۴۴	۰/۶۲	۰/۵۲	۰/۸۶	۰/۷۹	۰/۸۹	۰/۹۰	B	
۱۱/۰۹	۱۰/۵۵	۶/۱۰	۹/۸۰	۷/۴۶	۱۱/۳۸	۱۳/۷۵	۱۷/۱۶		T	

بعد از اصلاح

تمامی مقادیر بارهای عاملی از $0/3$ ، بیشتر می باشند. همچنین، مقادیر محاسبه شده t برای هر یک از بارهای عاملی هر نشانگر با سازه یا متغیر پنهان خود بالای $1/96$ بدست آمده است. بنابراین، می توان همسویی سوالات پرسشنامه برای اندازه گیری مفاهیم را در این مرحله معتبر نشان داد. در واقع، نتایج نشان می دهد آنچه محقق توسط سوالات پرسشنامه قصد سنجش آنها را داشته است، توسط این ابزار محقق شده است.



شکل ۲

در جدول ۶ مقادیر معناداری فرضیه‌ها آورده شده است.

جدول ۶. آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه	ضریب مسیر	خطای استاندارد	C.R	معناداری	نتیجه
۱ بهزیستی معنوی	۰/۴۷	۰/۱۰	۴/۵۷	۹۹٪	تایید
۲ بهزیستی معنوی	۰/۴۲	۰/۰۶	۳/۹۷	۹۹٪	تایید
۳ هوش هیجانی	-۰/۲۰	۰/۱۹	-۲/۰۲	۹۵٪	تایید
۴ تمایز یافتگی	-۰/۲۱	۰/۱۱	-۲/۰۱	۹۵٪	تایید

					خود	
تایید	۹۹٪	۴/۶۵	۰/۰۹	۰/۴۱	رضایت زناشویی	۵ بهزیستی معنوی

با توجه به نتایج جدول، مقدار t محاسبه شده برای تأثیر بهزیستی معنوی بر تمایز یافتگی خود (۴/۵۷)، بیشتر از مقدار بحرانی آن (۲/۵۴۸) در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد می توان نتیجه گرفت که داده های تجربی گردآوری شده این فرضیه را تایید کرده و بهزیستی معنوی با ضریب تأثیر ۰/۴۷ بر تمایز یافتگی خود تأثیرگذار است. همچنین مقدار t محاسبه شده برای تأثیر بهزیستی معنوی بر هوش هیجانی (۳/۹۷)، بیشتر از مقدار بحرانی آن (۲/۵۴۸) در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد و نتایج بیانگر این است که داده های تجربی گردآوری شده این فرضیه را تایید کرده و بهزیستی معنوی با ضریب تأثیر ۰/۴۲ بر هوش هیجانی تأثیرگذار بوده است. با توجه به اینکه مقدار t محاسبه شده برای تأثیر هوش هیجانی بر رضایت زناشویی (۲/۰۲-) بیشتر از مقدار بحرانی آن (۱/۹۶) می باشد این فرضیه نیز مورد تایید واقع شد. با توجه به اینکه مقدار t محاسبه شده برای تأثیر تمایز یافتگی خود بر رضایت زناشویی (۲/۰۱)، بیشتر از مقدار بحرانی آن (۱/۹۶) می باشد این فرضیه نیز مورد تایید واقع گردید. در راستای بررسی تأثیر بهزیستی معنوی بر رضایت زناشویی، با توجه به اینکه مقدار t محاسبه شده برای این رابطه (۴/۶۵)، بیشتر از مقدار بحرانی آن (۲/۵۴۸) در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد می توان نتیجه گرفت که داده های تجربی گردآوری شده نیز این فرضیه را تایید کرده و بهزیستی معنوی با ضریب تأثیر ۰/۴۶ بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی الگوی ساختاری بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی با نقش واسطه ای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود اجرا شد. در درجه نخست در سطح همبستگی های ساده، یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که بین بهزیستی معنوی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته های این بخش از پژوهش با نظرات و یافته های گزارش شده توسط پژوهشگران قبلی از جمله (Ascari & Safarzadeh, 2015) همسویی دارد.

رفتارهای مذهبی ارزش مثبتی در پرداختن به نکات معنادار زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خدا می‌توانند از طریق امید و تشویق به نگرش مثبت در زندگی موجب آرامش درونی شوند. باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است تا حد زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد، به طوری که اغلب افراد مؤمن معتقدند از طریق اتکا و توسل به خداوند می‌توان اثر موقعیت‌های غیر قابل کنترل را به طریقی کنترل کرد (Fountoulakis & et al, 2008). فرد مذهبی به یک مبدأ متعالی معتقد است و او را پرستش می‌کند، باورها و نگرش‌های مذهبی و معنوی بر مؤلفه‌های شناختی افراد از جمله تفسیر وقایع، خوش‌بینی و یا بدبینی و نوع تفکرات آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد (Pakizeh, 2009). در واقع، رشد و تقویت اعتقادات مذهبی باعث افزایش توان کنترل احساسات و هیجانات درونی خود و دیگران و به‌عبارتی بهبود سطح هوش هیجانی جامعه می‌گردد (Sayady, Toranlo, Jamaly & Mirghafory, 2008).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که همبستگی و رابطه بین بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی آزمون‌ها معنادار است. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های (Narimani, Borzo, Atadokht, & (Nadi & Sajadian, 2012); (Hoseynian & et al, 2012); (Abasi, 2016); (Parasciwa & (Lark, 2007); (Yoon, 2006); (Hunler & Genchuz, 2005); (Muhammad, 2012); (Nicoleta, 2011); (Mbam, Oginy & Onyishi, 2015) همخوان است. بهزیستی معنوی در شناخت و ارتباط دوستانه با خدا و بندگان و تحقق فضائل در خویشتن مفهوم می‌یابد و از ارکان آن نوع ارتباط ضابطه‌مند میان زن و مرد است که موفقیت در ارکان دیگر بهزیستی معنوی را تسهیل می‌کند و بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و معنوی افراد تأثیر می‌گذارد. معنویت موجب ایجاد آرامش، امنیت روانی، رهایی از احساس پوچی و تنهایی، معنایابی زندگی، مثبت‌اندیشی، امیدواری، رضامندی از زندگی و حمایت اجتماعی می‌شود. از این طریق ظرفیت روان‌شناختی و توانایی مقابله با استرس‌ها و مشکلات افزایش می‌یابد (Hosein-Dokht & et al, 2014). معنویت نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد، به این ترتیب که عقاید و اعمال مذهبی از لحاظ درون‌فردی، فرد را قادر می‌سازد که از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشم خود را کنترل کند و در تعارض‌ها مسؤلیت اعمال خود را بپذیرد. از لحاظ بین فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می‌کند که فرد در هنگام خشم به خدا توجه کند و حمایتی برای هر دو زوج ایجاد می‌نماید که از

تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. در واقع ارتباط با خدا یک نقش تعاملی و جبرانی در رابطه با روابط زناشویی دارد (Monjezy & et al, 2012).

نتایج پژوهش (Saundra & Hughey, 2003) در بررسی رابطه بین معنویت و رضایت از زندگی زنان آفریقایی آمریکایی نشان داد زنانی که مذهبی تر هستند از رضایت زندگی بالاتری برخوردار هستند. (Maghsod Zade & Yonesi, 2014) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش مسائل دینی موجب افزایش سطح رضایت زناشویی در زوجین می شود. در واقع زوجین با توجه به ویژگی های دستورات اسلام قادر به تعمق درباره ی چگونگی روابط خود و تنظیم مجدد آن خواهند شد و با نگرشی که نسبت به خود و زندگی زناشویی پیدا می کنند، روابطی سازنده و انسانی با همسر خود برقرار می سازند. هانلر و گنکوز (Hunler & Genchuz, 2005) معتقدند که مذهب می تواند بر روابط زناشویی اثرگذار باشد، زیرا برای بهبود زندگی و باورها و تقویت ارزش های زندگی راهنمایی های مؤثری دارد. در واقع هر زوج به دینداری بعنوان ابزاری برای رضایت زناشویی و ثبات تمایل دارد. از آنجا که مذهب و اساس خانواده بر ارزش های یکسان تأکید می کنند، اجتماعی شدن و ثبات و هماهنگی در روابط درونی و خارج از ازدواج را تقویت می نمایند. این فرض، این ایده را به ارمغان می آورد که مذهب می تواند رابطه زوجی یا رضایت زناشویی را تقویت، تثبیت و حمایت کند (Mbam, Oginy & Onyishi, 2015). در نتیجه موفقیت در ازدواج و رضایت زوجین از یکدیگر، می تواند در سایه معنویت شکل گیرد (Faghihy & Rafii moghadam, 2012).

نتایج پژوهش حاضر در ارتباط با رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی همسو با پژوهش های (Tirgari, Asgharnezhad, Bayanzadeh & Abedin, 2006)؛ (Mahanian, Borjali, Salimizadeh, 2007)؛ (Soleymanian & Mohamadi, 2010)؛ (Schutte, Malouff, Bobik, 2001)؛ (Holley & et al, 2006)؛ (Tirgari & et al, 2006)؛ (Shamsai & et al, 2007) می باشد. (Zare & Rezai, 2017) نیز در پژوهش خود نشان دادند که تنظیم شناختی هیجان، نقش واسطه گری معناداری برای ویژگی های شخصیتی (روانزودی و برون گرایی) و رضایت زناشویی ایفا می کند.

در تبیین این یافته می توان گفت افراد با هوش هیجانی بالا توانایی سازگاری با اطرافیان خود، اعتماد به نفس و خودآگاهی بالا دارند که در تعدادی از پژوهش ها از جمله این پژوهش به عنوان پیش بینی کننده ای مطمئن برای رضایت زندگی معرفی می شود. نتایج پژوهش

(Cordova, Gee & Warren, 2005) که با هدف بررسی نقشی مهار تهای عاطفی بویژه نقشی که توانایی درک و ارتباط عاطفی در حفظ سازگاری ازدواج بازی می‌کند (از راه تاثیر خود بر فرایند صمیمیت) انجام شد، نشان داد که توانایی درک و ارتباط عاطفی با سازگاری زناشویی خود و همسر مرتبط است. (Bristt & et al, 2001) بر این باورند که هوش هیجانی یا لاقل برخی از جنب های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توام با سازگاری و رضایت مطلوب و باثبات را داراست. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساس‌ها و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضایت‌مندی بیشتری همراه است، و افرادی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضایت-مندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند.

(Golman, 1995) هوش هیجانی را شامل خودآگاهی، مدیریت و مهار هیجانها، برانگیختن خویشتن، همدلی و اصلاح و اداره‌ی روابط میدانست. (Bar-On, 2001) نیز معتقد است که هوش هیجانی شامل مؤلفه‌هایی همچون خود آگاهی هیجانی، خود ابرازی، عزت نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی می‌باشد که می‌تواند موجب تحمل فشارهای روانی زندگی و حل مشکلات سازگاری در زمینه روابط زناشویی گردد. به طور کلی، اهمیت مؤلفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این گونه می‌توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین به مهارت‌های ارتباطی آنها مثل توجه به مسائل از زاویه دید همسر، توانایی درک همدلانه آنچه همسر تجربه کرده است، احساس و آگاه بودن از نیاز های او بستگی دارد (Gottman & Notarius, 2000 Carr, 2006).

(Mokhtari, Nazer & Afsane, 2012); (Norian, Azlina & Afsane, 2011) در بررسی ارتباط هوش هیجانی و رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند که همه متغیرهای هوش هیجانی و رضایت زناشویی ارتباط معناداری با یکدیگر دارند. نتایج پژوهش (Schutte & et al, 2001) نشان می‌دهد که افراد با هوش هیجانی بالا نمره‌های بالاتری در همدلی، خودباززیستی و خودکنترلی در موقعیت‌های اجتماعی کسب کردند. این افراد پاسخ‌های همراه با یاری و مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند، روابط نزدیکتر و محبت‌آمیزتری را از خود نشان داده و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود احساس کرده‌اند. کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای

مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدام های شخصی استفاده کنند (Salovay & Mayer, 1990).

یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با رابطه تمایز خود و رضایت زناشویی با نظرات و یافته‌های گزارش شده توسط پژوهشگران پیشین همسویی دارد. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش (Aliko & Nazari, 2008) بیانگر ارتباط معنادار بین تمایز خود و خرده مقیاس‌های آن با رضایت زناشویی است (Qutod By Ghanbari, Hashem Abadi & Zarif, 2014). همچنین یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های (Khodayari Fard & Abedini, 2012)؛ (Talebi & Ghobari Bonab, 2013)؛ (Bhatt, 2001) همسو بوده و با پژوهش‌های (Drak, 2001, 2011) نیز همسویی نسبی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که افراد تمایز یافته برای تجربه عواطف عمیق احساس آزادی می‌کنند و دارای قابلیت نظم‌بخشی به هیجانات بوده، به طور آزادانه به آنها دسترسی دارند. آنها قادرند افکار شخصی خود را شناسایی نموده و ابراز کنند. فرد تمایز یافته در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی برخورد منطقی و عقلانی را داشته و می‌تواند از برخورد با مسائل به صورت احساسی جلوگیری کند. بنابراین این افراد توانایی حل مسائل را به صورت مسالمت‌آمیز دارند. افرادی که به کامل‌ترین سطح تمایز خود می‌رسند به عنوان افرادی شناخته می‌شوند که مرزبندی‌های خود تعریف شده‌ای دارند در حالی که اشخاص تمایز نیافته از نظر هیجانی مشکلات روانشناختی را تجربه می‌نمایند (Khodayari & et al, 2012). در واقع، افرادی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، اضطراب بالاتر و آمیختگی بیشتری بین عقل و احساساتشان داشته و در روابط با دیگران دچار تنش‌های عاطفی می‌شوند. با توجه به نظریه بوئن می‌توان گفت زوج‌هایی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی تصمیم‌گیری عقلانی کمتری دارند. از طرفی این زوج‌ها به دلیل وابستگی به سیستم خانواده اصلی و تداخل دو سیستم دچار مشکلاتی می‌شوند که این خود باعث افزایش درگیری‌ها و مشکلات و در نهایت نارضایتی زناشویی می‌گردد. هر اندازه میزان تمایز یافتگی فرد کمتر باشد احتمال درهم آمیختگی هیجانی فرد با دیگران به منظور ایجاد یک خود تمایز نیافته بیشتر خواهد بود. این درهم آمیختگی هیجانی میان دو فرد تمایز نیافته برای ایجاد یک خود مشترک در روابط شخصی اتفاق افتاده و اغلب در ازدواج مشاهده می‌شود. ازدواج‌های این افراد اغلب با شکست مواجه می‌شود. بوئن معتقد است سطح

تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خود قرار دارد و در زندگی آینده فرد اثرگذار است. او معتقد است که افراد با الگوهای از سبک زندگی و سطح تمایز که در خانواده مبدأ رشد یافته وارد زندگی زناشویی می‌شوند (Talebi & et al, 2013). زن و شوهری که با هم ازدواج کرده‌اند و یک سیستم جدید تشکیل داده‌اند ممکن است به سیستم خانواده‌های سابقشان وابسته باشند و این منجر به بروز تغییراتی در سیستم جدید آنها شود. بسیاری از اوقات تعارض‌هایی که بین زن و شوهر رخ می‌دهد، حاصل تأثیر متقابل این سیستم‌های خانوادگی است (Street, 2004, Qutod By Talebi & et al, 2013). زن و شوهرهایی که از سطوح پایین تمایز یافتگی برخوردارند در برقراری صمیمیت، با مشکل مواجه هستند چون فقط خودهایی کاذب را پرورش داده‌اند. در واقع فقدان تمایز خود باعث ایجاد تعارض بین فردی و اضطراب و در نتیجه نارضایتی زناشویی می‌شود، زیرا افراد واکنش‌های عاطفی مثبت و منفی‌شان را بر اساس دستورهای اعضای خانواده یا دیگر مراجع قدرت می‌دهند. از سوی دیگر، زن و شوهرهایی که به یک اندازه از سطوح بالای تمایز یافتگی برخوردارند، قادرند فردیت و استقلال روشنی را به وجود آورده و حفظ کنند و در همان زمان صمیمیت عاطفی قوی، پخته و غیر تهدیدآمیزی را داشته باشند. (Bhatt, 2001).

یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با رابطه بهزیستی معنوی و تمایز خود به طور غیر مستقیم با تحقیقات (Murdock, & Gore, 2004)؛ (Miller, Christopherson & King, 2003)؛ (Popko, 2002)؛ (Shakibaei & Ismaili, 2010) همخوان است که ارتباط معنی داری بین سطوح پایین تمایز خود و وجود اضطراب مزمن گزارش کرده‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات همبستگی منفی معنی‌داری بین مذهب و اضطراب یافته‌اند (Long & Mollen, 2011).

بین تمایز خود و انواع اضطراب همبستگی منفی وجود دارد، از جمله اضطراب صفت (Skowron & Friedlander, 1998)، اضطراب جدایی (Peleg, Halaby & Whaby, 2006) و اضطراب اجتماعی (Peleg, 2002, 2005). دلیل احتمالی برای این یافته این است که افرادی که از سطح تمایز یافتگی پایین‌تری برخوردارند، و به صورت معناداری به دیگران وابسته‌اند، ممکن است تمایل به تجربه اوج استرس و فشار در موقعیت‌های اجتماعی چالش‌انگیز داشته باشند که باعث می‌شود با شدت عاطفی بالا واکنش نشان دهند (Peleg & Zoabi, 2014).

پژوهش حاضر با پژوهش (Sandage & Jankowski, 2010)؛ (Gabelman, 2012) همخوان بوده که نشان دادند بین تمایزیافتگی، استرس و اضطراب و سلامت روابط معنی دار وجود دارد. همچنین در تایید نتایج پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی که در مورد سلامت روانی و سطح تمایزیافتگی خود صورت گرفته، نشان دادند که افرادی که دارای سطح تمایز خود بالایی هستند، نشانگان بیماری روانی و مشکلات روانشناختی کمتری از خود نشان می‌دهند (Fischer, 2006; Bartel & Gregory, 2003; Tuason & Friedlander, 2000; Haber, 1984; Peleg & Popko, 2002; Skorown, & Schmitt, 2003).

References

- Abi, E, & Jijo, G. (2012). Emotional intelligence and job satisfaction: A correlational study. *The International Journals, Research Journal of Commerce and Behavioural Sciences*, 1(4), 37-42.
- Agha, M.H.P, Mokhtaree, M.R., Sayadi, A.R., Nazer, M. & Mosavi, S.A. (2012). Study of emotional intelligence and marital satisfaction in academic members of Rafsanjan University of medial sciences. *Journal of Psychology and Psychotherapy*, 2(2), 1-5.
- Alex, M, (2011). Marital happiness as the function of spiritual intelligence. *International Multidisciplinary Research Journal*, V1(9),p.6-7.
- Asgari P, Safarzadeh S. (1393). Relationship of Excitement and Religious Beliefs with Conflict Resolution Strategies in Students. *Quarterly journal of psychology and religion*, spring.
- Bar-on R. Emotional intelligence and self-actualization In: ciarrochi J, editor. *Emotional Intelligence in everyday life*. New York, NY: psychology press: 2001.
- Bar-On, R. (1997), *The emotional quotient inventory (EQ-I): Technical manual* Toronto, Canada: Multi- Health systems.
- Bartel-Haring,S.,Gregory, P. (2003). Relationship between differentiation of self and the stress and diatress associated with predictive canaer genetic counseling and testing: Preliminary evidence. *Families, Systems, and Health*, 21(4), 357- 381.
- Bartle Haring, S. & Lal, A. (2010). Using Bowen Theory to Examine Progress in CoupleTherapy.The *Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families* 18(2) 106-115.
- Bhatt, p (2001), Differentiation of self and marital adjustment within the Asian American population. *Journal of marital and family therapy*. 39-143.
- Blair, T.M, nelson, E.S.& coleman, P.K. (2001). De caption, Power, and self-differentiation in college students romantic relationship: An exploratory study. *Journal of sex & marital T therapy*.27,57-71.
- Blue CL. Commentary on the brief serenity scale: A psychometric analysis of a measure of. spirituality and well-being. *Journal of Holistic Nursing*. 2009; 27(1): 17 -18.

- Cappanelli GA, Cappanelli SC. Authenticity: Simple strategies for greater meaning and purpose at work and at home. Cincinnati, Ohio: Emmis Books. 2004.
- Carr, A. (2006), Family therapy: Concepts process & practice (second edition). John Wiley & sons, Ltd.
- Coleman & Andrew (2008). A dictionary of psychology (3ed.). oxford University press.
- Cordova, J. V., Gee, C. G., and Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24: 218 - 235.
- Dean KL, McGee JJ. Research in spirituality, religion, and work: Walking the line between relevance and legitimacy. *Journal of Organizational Change Management*. 2003; 16(4): 378 95.
- Dehshiri Gh, Najafi M, Sohrabi F, Taraghjah S. (1392). Making and validating a spiritual well-being questionnaire among students. *Psychological studies*. Faculty of Educational and Psychological Sciences, Alzahra University.
- Drak, J.R. (2011). Differentiation of self inventory_short form: creation and initial evidence of construct validity. *Missouri-Kansas*.
- Emmons, A. (2000). Is Spirituality Intelligence? Motivation, Cognition, and the Psychology of Ultimate Concern, *International journal for the psychology of religion*. 10 (1), 3-26.
- Faghihi A N, Rafiei-Moghadam F. (2011). The study of religious teachings affecting the spiritual health of spouses. *Knowledge* 163, p 80-67.
- Fischer, T.F. (2006). Are you still performing human sacrifice? *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 15, 347-361.
- Fisher J. The four domains model: Connecting spirituality, health and well-being. *Religion*. 2011; 2(1): 17-28.
- Fountoulakis, Konstantinos N, Siamouli M, Stamatia M, Kaprinis G, 2008, late life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes toward death in the elderly interpreting the data. *Medical hypothesis*. 70, 493- 496.
- Gabelman, E. (2012). The Effects of Locus of Control and Differentiation of Self on Relationship Satisfaction. Honors Research Thesis. The Ohio state university.
- Ghenaat Bahajgari S, Ghanbari Hashem Abadi B, Zarif F. Investigating the relationship between self-differentiation and love making styles. (2013). *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy*. forth year. No. 16. Winter.
- Ghobari bonab, B., Salimi, M., Soleimani, L., and Nori moghadam, S. (2007). Spiritual Intelligence. *Andishe-e-Novin-e-Dini*, 3(10): 125-147. (Persian).
- Goldberg E, Goldberg H. (1382), Family Therapy, Translated by Hamid Reza Hassan Shahi Bravoti, Siamak Nashebandi and Elham Arjomand, Tehran: Ravan Publications.
- Golman D. (1995), Emotional Intelligence. 1st Ed. New York: Bantam; 55-86.
- Gomez, R., & Fisher, J.W. (2012). Item response theory analysis of the spiritual well-being questionnaire. School of Behavioral and Social Sciences and Humanities, University of Ballarat, P.O. Box 663, Ballarat, Victoria 3350, Australia.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000), Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62, 927-947.

- Greef, A.p.(2000). Charateristics of families that function well. Journal of family Issues. V27,p.94& -962.
- Haber, J.F.(1984). An investigation of the relationship between differentiations of self, complementary psychological need patterns, and marital conflict. [Dissertation], New York University;. p: 87-156.
- Hamedi R, Khosravi V, Peyvasehgar M, Darvizadeh Z, Khadabakhsh R, Sarami Gh. (2012). Study of self-differentiation and the quality of relationship with non-gay men in single students. Psychological studies.
- Hartz, G. W, (2005). Spirituality and Mental Health: Clinical Applications, New York, Haworth press.
- Holley, P., Yabiku, S. T., and Benin, M. (2006). The Relationship between Intelligence and Divorce. Journal of Family Issues, 27(12): 1723-1748.
- Hossein zadeh H, Karami J, Momeni Kh. (2013). Determining the role of self-differentiation, identity styles and spiritual intelligence in predicting students psychological well-being.
- Hossein-dukht A, Fathi Ashtiani A, Taghizadeh M. (2013). The Relationship between Spiritual Intelligence and Quality of Life and Marital Satisfaction. Quarterly Journal of Psychology and Religion.
- Hosseinian S, Shoae kazemi M, Chaboki neghad Z, The Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence among Female Students of Alzahra University, Cultural, Defense, Women and Family, 17, p. 26-7.
- Hunler, O.S., & Genchuz, T.I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. Contemporary Family Therapy, 27(1), 123 136.
- Javaheri Kamel A. The Relationship between Emotional Intelligence and Attachment Styles in Students. master thesis. Tarbiat Moallem University.
- Kajbaf, M.,and Raiespour, H. (2009). Relationship between religious attitude and mental health among female students in Isfahan. Quarterly Islamic & Psychology Studies, 1(2): 31 43.
- Kerr, M.Bowen , M.(1988). Family evaluation: An approach based on Bowen theory. Ny.Norton.
- Kerry G. (2006). Counseling and Psychotherapy (Theory and Practice), Seyyed Mohammadi Y. Translation. Tehran: Arasbaran Publications.
- Khodahakhsh, A., Estandiar, A., & Seyed, M.N.A. (2008). The influence of religiosity on marital satisfaction. Journal of Social Sciences, 4 (2), 105- 110.
- Khodayari Fard M, Abedini Y. (2010), Theories and Principles of Family Therapy, Tehran: Tehran University Press.
- Lark, R.E.(2007). The relation of mood and spirituality to stats hop and dispositional forgiveness Disserttion. University of southern mississipi: Nurs, 23-321-326.
- Long, S.& Mollen, D. (2011). Resilience Characteristics of Master s-Level Counseling Students. University of New Orleans,77-97.
- Mac Gee, E.A. (2011). An examination of the stability of positive psychological capital usin frequencybased measurement. Unpublished Doctoral Dissertation, University of Tennessee. [http:// trace.tennessee. edulatk-graddiss/999](http://trace.tennessee.edu/atl-graddiss/999).

- Maghsoud Zadeh M and Younesi S J. (1392). The Effectiveness of Teaching Religious Issues on Marital Satisfaction of Couples. Journal of Psychological Methods and Models. third year. 13. 74-61.
- Mahanian Khameneh M, Borjali A, Salimizadeh M K. (2006), The Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction. Journal of Psychology, 10 (3) consecutive 308, 390-320.
- Mbam, O. Oginy, R. Onyishi. E. (2015). Emotional Intelligence, Religiosity and Forgiveness as Predictor of Marital Satisfaction among Non- Academic Staff of Ebonyi State University, Abakaliki South Eastern Nigeria. Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies. 6(5): 361-370.
- Miller, B. C., Christopherson. C. R., & King, P. K. (2003), sexual behavior in adolescent . in R. Gulotta, G. Adams, & R. Montemayor (Eds). Adolescent sexuality. Newbury Park, CA: Sage.8(5),89-168.
- Miller, B. C., Christopherson. C. R., & King, P. K. (2003), sexual behavior in adolescent . in R. Gulotta, G. Adams, & R. Montemayor (Eds). Adolescent sexuality. Newbury Park, CA: Sage.8(5),89-168.
- Moalemi S, Raghbi, M, Salari Dargi Z. (2010) Comparison of mental health and intelligence among addicted and non addicted people. Scientific Journal of Shahid Sadoughi University of Yazd.
- Monjazi F, Shafi Abadi A, Soudani M.(2011). The Effect of Islamic Relationship and Religious Attitudes on Improving Marital Satisfaction, Behavioral Sciences Research, Vol. 10, p. 1, pp. 37-30.
- Muhammad, S.S. (2012). Religiosity in development: A theoretical construct of an Islamic based development. International Journal of Humanities and Social Sciences.
- Murdock, N. L., & Gore Jr, P. A. (2004). Stress, coping, and differentiation of self: A test of Bowen theory. Contemporary Family Therapy, 26(3), 319-335.
- Nadi, M A, Sajjadian I. (2010). Analysis of the Relationships between Spiritual Well Being with Spiritual Well Being, Mental happiness, Life satisfaction, Prosperity, Psychology of hope for the future and purposefulness in the life of students, Journal of Yazd School of Public Health, 10, 3, 4, Pp. 68-54.
- Pakizeh A. (2010). A Comparison of Students' Mental Health and the Impact of the Activation of the Concept of Spirituality on it. In: Fourth Student Mental Health Seminar
- Parasciwa, P., Nicoleta, M. (2011). Ways of approaching religiosity in psychological research, 4(18), 152-362.
- Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., & Raskin, M. (2000). Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course. Journal of Marital and Family Therapy, 26, 199-210.
- Peleg, O. (2002). Bowen theory: A study of differentiation of self and students social anxiety and physiological symptoms. Contemporary Family Therapy, 25, 355° 369.
- Peleg, O. (2005). The relation between differentiation and social anxiety: What can be learned from students and their parents? The American Journal of Family Therapy, 33, 167° 183.

- Peleg, O., Halaby, E., & Whaby, E. (2006). The relationship of maternal separation anxiety and differentiation of self to children s separation anxiety and adjustment to kindergarten: A study in Druze families. *Journal of Anxiety Disorders*, 20, 973° 995.
- Peleg, O., zoabi, M. (2014). Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Personality and Individual Differences*, 68, 221-228.
- Peleg-Popko O. (2002). Bowen theory: a study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*. 24(2): 355-69.
- Popko, P. (2002). Bowen theory: a study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*.; 24(2): 355-69.
- Prochasca, J C, Norrkras, J. *Theories of Psychotherapy* (translated by Seyyed Mohammadi). (2002) Tehran; Roshd Publications .published in original language.(1999)..
- Roya, K.E, Nooraini, O., Azlina, B.M.K., & Afsanch, G.P. (2011). Relation between emotional intelligence and forgiveness with marital satisfaction. *International Journal of Fundamental Psychology and Social Sciences*, 1(2), 21-25.
- Russ, E.M., Westefeld, J.S. & Ansley, T.N. (2001). Spiritual issues in counseling: Client's beliefs and preference. *Journal of Counselling Psychology* 48, 47-71.
- Saatchi M, Kamkari K, Askariyan. M. *Psychological tests*. Publish edited. 2010.
- Salovay, P., & Mayer, J. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, cognition, and Personality*, 9(3), 165-211.
- Samson, B., Micheal, O., Peter, A. & Naftali, O. (2015). Association of levels of education and marital experience eon marital satisfaction among selected marriage in Kisii township Kisii country. *Research on Humanities and Social Sciences*, 5(8), 27-32.
- Sandage, S. J. & Jankowski, P. J. (2010) Forgiveness, spiritual instability, mental healt symptoms, and well-being: Mediator effects of differentiation of self. *Psychology of Religion and Spirituality*, 2: 168-180.
- Saundra, H.S., Hughey, A.W. (2003). African American Women at Mid life: the Relationship between Spirituality and life Satisfaction. *Journal of African American Women*, Vol (18), no (2): 133-147.
- Sayyadi Turanlou H, Jamali R, Mirghafouri S H. (2007). Investigating the relationship between belief in religious teachings of Islam and students' emotional intelligence. *Quarterly Journal of Modern Thought*.
- Schutte, N.s, Malouff, JJ.M, Bobik, C.coston, T.D., Greeson.c., Jedlika,c.,E. & Wendorf, G.(2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *Journal of social psychology*, 141(4), 523-536.
- Sessanna, L, Finnell, D, Jezewski, M. Spirituality in nursing and health related literature. *Journal of Holistic Nursing*. 2007; 25(4): 252-62.
- Seybold, K.s: Hill, p.c (2001). The role of religion and spirituality in mental and physical health. *Cwrent Directions in sychological sciene*, V10.p.21-24.
- Shahidi Sh, Hamdieh M. (2002). *Principles of Mental Health*. Tehran, Semat Publications.
- Shakibaei T, Esmaeili M, Karami A. The study of the effect of self-differentiation training on reducing the problems of divorced women in Tehran (2006). *Journal of Psychology and Educational Sciences*, University of Tehran, 115.

- Shakibaei, T, Ismaili, M.(2010). Effects of training on reducing psychological problems of divorced women in Tehran 85. *Journal of Psychology*, 7, 131-115.
- Shamsaei M M, Nikkhah, H R, Jadidi Mohsen. (2006), The Role of Emotional Identity and Emotional Intelligence in Marital Satisfaction. *Thought and Behavior Quarterly*, 74-92, (3) 2.
- Skorown, E.A & Schmitt, T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209 ° 222.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 26, 337° 357.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 28, 235° 246.
- Soleimani A, Mohammadi A. (2009), Investigating the Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction, *Educational Research Journal of Islamic Azad University, Bojnourd Branch*, No. 19, pp. 150-134.
- Street, A (2003), *Family Counseling*, Translation by Tabrizi M and Alavinia A, Tehran: Faravan Publications.
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.
- Talebi M, Ghojari Bonab B.(1391). Determining the relationship between self-differentiation, emotional intelligence and marital satisfaction in counseling centers in Shahrood. *Women's Quarterly and Women's Studies*.
- Tirgari, A., Asgharnezhad Fraid, A.A., Bayanzadeh S.A., and Abedin A. R. (2006). A comparison between emotional intelligence and marital satisfaction, and their structural relation among discordant and well-adjusted couples in Sari, Iran. *The Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 16(55): 78- 86. (Persian).
- Tuason MT, Friedlander MI.(2000). Do parent' s differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in a Philippine sample. *Journal of Counsel Psychol.* 47: 27-35.
- Ucol-Ganiron T. The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers. *International Journal of Social Science and Humanity*. 2012; -2 (4): 291-295.
- Yoon Dp. Factors a affecting subjective well-being for rural individuals: the importance of spirituality, religiousness, and social support. *Journal of Religion & spirituality in social work*.2006; 25(2)59-75.
- Zare M and Rezaei A. (1395). The role of mediator of emotional cognitive regulation in the relationship between personality traits and marital satisfaction of married couples working in Marvdasht. *Journal of Psychological Methods and Models*. Year 7. Number 24. 102-91.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی